نقش صاحب حدائق در تسهیل بحث نیت و تبعیت شیخ از ایشان

قبلاً هم عرض کرده بودم که بحث نیت قبل از صاحب حدائق فضاهای سنگینی دارد. بعضی از جاهای آن –به شوخی عرض می‌کنم- حالت وحشتآور پیدا می‌کند. من عبارتها را دیدم. صاحب جواهر نسبت به علماء خیلی مودب هستند؛ آن هم نسبت به بزرگان از علماء؛ شاید نسبت به متاخری متاخرین ... . من عبارتی را از ایشان دیدم که وقتی به عبارت محقق در جواهر می‌رسند، همان ابتدا به ساکن تعبیری می‌کنند که خیلی عجیب است. باعث تعجب است که ایشان با عبارت شرائع به این صورت برخورد می‌کنند! چرا اینطور برخورد کردند؟! در باب قصد وجه و بعد از آن است: وقتی مرحوم محقق می‌خواهند نیت را توضیح بدهند، ایشان می‌فرمایند: محقق حقیقت نیت را می‌فرمایند؛ قلم، قلم صاحب شرایع است. بچه طلبه که نیست.

> **وأما حقيقتها فعند المصنف استحضار صفة الصلاة في الذهن والقصد بها إلى أمور أربعة : الوجوب أو الندب والقربة والتعيين وكونها أداء أو قضاء وفيه من القصور والاجمال والفساد ما لا يخفى**
>
> **[1]**

«وأما حقيقتها فعند المصنف استحضار صفة الصلاة في الذهن والقصد بها إلى أمور أربعة : الوجوب أو الندب والقربة والتعيين وكونها أداء أو قضاء»؛ این عبارت شرایع است. خب فتوای بسیاری این است. بر اینها ادعای اجماع شده و مفصل است. صاحب جواهر بعد از اینکه این حرفها صاف شده، می‌فرمایند: «**وفيه من القصور والاجمال والفساد ما لا يخفى**»؛ یعنی این عبارت خیلی مناسبی برای متن شرایع نیست. فوری هم دنبالهٔ آن فرمودند «و فیه». معلوم می‌شود که بحث نیت چنین سابقه‌ای داشته است. صاحب حدائق این را برگردانده. کسی هم که کار خوبی کرده دیگران باید پشت آن را بگیرند و دفاع کنند و توضیح بدهند. این کار صاحب حدائق کار بسیار خوبی بوده. ایشان نیت را از احضار، تصور و اخطار نجات داد. گفتند: «لیست النیة الا الداعی». نیت، همان داعی است. داعی به فعل، همان نیت است و تمام شد. خب این کار را کرد و مفصل هم گفت.

> **6:48**

عبارت مرحوم صاحب جواهر نسبت به اصحاب از صاحب حدائق تندتر است. این را قبلاً عرض کرده بودم. بحث خیلی مهمی است. ما الآن در زمانی هستیم که نمیدانیم بر آن چه گذشته است.

شاگرد: به تعدد قرائات در...!

استاد: نه، هر کجا این چیزی باشد، باید بررسی شود. آن استاد در درس اسفار میگفتند صاحب اسفار گاهی غزالی را میآورد و از او تعریف میکند؛ حجة الاسلام و... چه حرف خوبی زده است! می گویند چه حرف خوبی زده و مدام او را بالا میبرد. میگفتند یک جایی هم که حرف او مورد پسند ایشان نیست و ناچور است، میگوید این غزالی مثل بچهای است که قدش کوتاه است، که یک لباس بلندی هم پوشیده و یک شمشیری بلندی هم به کمر ببندد که آن شمشیر به خاک می کشد، میخواهد به جنگ ابطال برود. ایشان اینطور میگفتند. خب حالا آن فضای اهل فکر و کار است.

آن چیزی که در اینجا در این مباحثه طلبگی میگوییم، این است که اینها یک چیزهایی است که چکش خورده است. این عبارت مرحوم شیخ به قدری برای من جذاب بود! وقتی به بحث نیت میرسد میگویند: من هم به تبع از بعض محققی متأخری المتاخرین این را میگویم. ببینید میگویند «تبعاً»؛ یعنی میگوید آنها حرفهای خوبی زدهاند. در پاورقی کتاب شیخ این را آوردهاند؛ محقق صاحب حدائق و محقق صاحب جواهر. یعنی شیخ انصاری میگویند من به تبع صاحب حدائق و به تبع صاحب جواهر، این بحثی را که در فضای کتب قبلی بسیار سنگین مطرح شده بود، از آنها فاصله گرفتم. خب این کار نیت است. لذا مبنای قویمی است که مرحوم شیخ در اینجا پایهریزی کردند که تعیین در جایی نیاز است که اشتراک بالفعل باشد.

---

[1] جواهر الکلام ج۹ ص۱۵۴

بازبینی #1
ایجاد شده در 25 مه 2026 10:50:49 توسط ... .
به روزرسانی شده در 25 مه 2026 10:51:48 توسط ... .